

بررسی تطبیقی جایگاه کارآمدی در نظریات توسعه غربی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بهرام اخوان کاظمی^۱

چکیده

کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را در پی دارد. در این راستا مقاله حاضر، به دنبال پاسخ به این سوال است که: مفهوم نظری و عملی کارآمدی و کارایی در نظریات توسعه غربی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به چه معنا و دارای چه شاخص‌ها و تمایزاتی است. و از سویی چه راهکارهایی برای افزایش کارآمدی نظام فعلی جمهوری اسلامی قابل پیش بینی و پیشنهاد است؟ در راستای پاسخ به این سوال تلاش شده است که مفهوم کارآمدی در برخی از نظریه‌های توسعه سیاسی غرب، نظریه بحران‌ها، نظریه کارکرد گرای ساختاری سیستمی بررسی شده و آنگاه مفاهیم کارآمدی و کارایی در اندیشه امام علی(ع) بحث گشته و سپس با مقارنه این آراء و با پرداختن به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و اندیشمندان داخلی، شاخص‌های بومی و متمایز کارآمدی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه گردد.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایران پیشرفت، توسعه، کارآمدی، تعالی، توحید، غرب، سیاست، ج.ا.ا.

۱- مقدمه

ناکارآمدی یکی از اساسی‌ترین چالش‌های توسعه و پیشرفت هر کشور و از عوامل مخل عمده این مسیر است و هر گونه طراحی توسعه می‌بایستی جای ویژه‌ای را برای ارتقاء کارآمدی در کلیه جوانب و عرصه‌ها در نظر گیرد. مفهوم کارآمدی^۲ و کارایی^۳ از مهمترین مفاهیم علوم مدیریت، اقتصاد و سیاست می‌باشند و تقریباً از چندین دهه گذشته در

^۱ استاد علوم سیاسی دانشگاه شیراز

^۲ - Effectiveness

^۳ - Efficiency

عرصه علم سیاست نیز بطور جدی پای نهاده و مطرح گشته اند. از آنجا که هر سامانه مدیریتی و هر سازمانی بدنبال بیشینه کردن کارآمدی و کارایی خویش است، بدیهی است که گسترده ترین و مقتدرترین سازمان موجود، یعنی نهاد دولت هم بدنبال دستیابی به این هدف حیاتی باشد تا با داشتن پیشینی مشروعیت اولیه، به مشروعیت سازی جدیدی دست یازیده و مشروعیت ثانویه و یا کارآمدی را نیز کسب کند و بدین وسیله دوام، و پیشرفت خویش را، با تحصیل رضایت افزونتر شهروندان، بیش از پیش تضمین نماید.

دو مفهوم کارآمدی و کارایی دارای تفاوت معنایی می باشند، اما به دلیل عدم رعایت این تمایز از سوی بسیاری از مؤلفین، ایندو در مقاله بعضاً و از سر ناچاری به صورت مترادف به کار رفته اند به عنوان نمونه مفاهیم «کارایی» و «کارآمدی و اثر بخشی» در بسیاری از فرهنگها و متون مرتبط با علم اقتصاد و دانش مدیریت؛ به معنای «استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و مشخص» تعریف شده اند. در حالیکه این سه مفهوم حداقل در دو حوزه معنایی قابل تفکیک هستند. تقریباً در ترادف صحت و بکار گیری دو واژه کارآمدی و اثر بخشی تردیدی نیست و امروزه در زبان فارسی هر دو را از همدیگر مراد می کنند با این حال باید توضیح داد که کارایی و کارآمدی به چه معنا است؟ صاحب نظران؛ کارآمدی را در گرو کسب هدفهای تعیین شده و رضایت خاطر کسانی که در رسیدن به اهداف نقش دارند می دانند. اما «کارایی» در بکارگیری و تخصیص منابع تولید، در استفاده از منابع تولید و صرف حداقل هزینه برای هر میزان تولید است، و این مستلزم آن است که اولاً از ضایعات و سطح اندک کارایی تکنولوژیک اجتناب شود و ثانیاً برای دستیابی به فرآیند تولیدی با کمترین هزینه، داده ها با مناسب ترین قیمت انتخاب گردند.

کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کار ویژه های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را در پی دارد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶) البته کاهش کارآمدی، بیماری گریز ناپذیر هر نظام سیاسی است و بدین ترتیب برای هیچ نظامی نمی توان مشروعیت و کارآمدی و کارایی قطعی قائل شد و ضعف و نقصان یابی کارآمدی بصورت طبیعی برای بسیاری از رژیمهای سیاسی اتفاق می افتد اما با این وجود، ضعف و نبود کارآمدی مخاطره ایی جدی برای هر نظام سیاسی است و باید هر چه سریعتر در رفع آن کوشید و به همین دلیل توجه بیشتر به مخاطرات

ناکارآمدی^۴ و لزوم مقابله نظری و عملی با آن از اهمیت و تعجیل بیشتری در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برخوردار است.

در این راستا مقاله حاضر، به دنبال پاسخ به این سؤال است که: مفهوم نظری و عملی کارآمدی و کارایی در نظریات توسعه غربی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به چه معنا و دارای چه شاخصه‌ها و تمایزاتی است و از سویی چه راهکارهایی برای افزایش کارآمدی نظام فعلی جمهوری اسلامی قابل پیش بینی و پیشنهاد است؟

در راستای پاسخ به این سؤال تلاش شده است که مفهوم کارآمدی در برخی از نظریه‌های توسعه سیاسی غرب مانند نظریه بحران‌ها، نظریه کارکرد گرای ساختاری سیستمی بررسی شده و آنگاه مفاهیم کارآمدی و کارایی در اندیشه امام علی(ع) بحث گذشته و سپس با مقارنه این آراء و با پرداختن به دیدگاه‌های مقام رهبری و اندیشمندان داخلی، شاخصه‌های بومی و متمایز کارآمدی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارایه گردد.

۲- کارایی و کارآمدی در نظریات توسعه غربی

۲-۱- کارایی و نظریه بحران

با فروکش کردن جنگ جهانی دوم و پیشرفت و پسرفت بسیاری از کشورها، شکاف‌های متعدد سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها به وجود آمد. معدودی از کشورها به سرعت جای خود را در تقسیم بندی جهان اول تثبیت نمودند و برخی دیگر به واپس ماندگی و قهقرای سیاسی- اقتصادی دچار شدند. مجموعه این تغییرات باعث شد تا تقریباً از دهه شصت میلادی به بعد بسیاری از نظریه پردازان غرب در حوزه توسعه و نوسازی به بحث بپردازند و سعی کنند با کسب اطلاعات درباره حکومت‌ها و شناخت عناصر اصلی نظام‌ها به تحلیل‌های لازم دست یابند تا بتوانند به کشف معیارهای مناسبی جهت درک وجوه متشابه و تمایز و مقایسه و ارزش گذاری نظام‌های مختلف سیاسی نائل شوند. خواه و ناخواه مقایسه نظام‌های سیاسی از طریق شاخص‌هایی نظیر سطح توسعه سیاسی و

^۴ - برای اطلاع از پاره‌ای از مصادیق ناکارآمدی در ج.ا.ا. ر.ک به: (روحانی، ۱۳۷۹، ۱۹ و ۳۶-۶)، (لاریجانی، ۱۳۷۹)

اقتصادی و میزان نوسازی آنها با میزان کارایی نظام‌ها بی‌ارتباط نبوده است و نظریه پردازان توسعه به موضوع مهم کارایی اشاره‌های متعددی داشته‌اند.

به عنوان نمونه در «نظریه بحران‌ها»^۵ اندیشمند معروف، لوسین پای به این مبحث اشاره شده است. وی در کتابش با نام «جنبه‌های توسعه سیاسی»^۵ معتقد به تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی است و چنین برداشت می‌کند که تمام جوامع، دارای علائم مشترکی از نوگرایی هستند که ما را به مثلث تقویت مساوات، بهبود کارایی‌های سیاسی و تمایز گذاری ساختاری هدایت می‌کنند، (pye, 1966, 45-47) یعنی نوگرایی و توسعه، منوط به تحقق این سه ضلع است. از دید پای مبنای توسعه سیاسی، افزایش ظرفیت سیستماتیک، تنوع ساختاری و تخصصی شدن ساختارها در راستای پاسخگویی به خواست‌های مردم و عبور موفقیت آمیز از بحران‌های شش‌گانه در مسیر پرپیچ و خم و دشوار توسعه است.

پای، سه ضلع مذکور را که در حقیقت سه اصل نوگرایی و توسعه است چنین شرح می‌دهد:

تقویت مساوات بر فرضیه ظهور شهروندان فعال و مسئولی استوار است که هر یک با عنوانی یکسان [شهروند] مصمم به مشارکت در زندگی سیاسی جامعه خویشند. این فرایند با استقرار قوانین جهان شمول و یکسان برای همه و مشی واحد عضو گیری سیاسی همراه است که تنها به شایستگی فرد بستگی دارد و اقبال ترقی برای همه فراهم است.

بهبود کارایی‌های نظام سیاسی متضمن تقویت کنش حکومت، کارایی و عقلانیت آن است. ترجمان این امر تلاش پی‌گیر برای نوآوری با دگرگونی‌ها از طریق بسیج بی‌وقفه و فزاینده منابع مختلف انسانی و مادی و همچنین روند نشر و بازتولید ارزش‌های اساسی است، به قسمی که مقاومت نظام سیاسی را تضمین کند.

تفاوت گذاری ساختاری، یعنی ساختارهای نظام سیاسی در راستای پاسخگویی به نیازهای مردم از بساطت و سادگی خارج شده و لازم است ضمن برخورداری بیش‌تر از تنوع، صاحب تخصص‌های متعدد و مختلف شوند. بدین صورت نهادهای متخصص و متفرع

⁵ - Lucian W. pye: Aspects of political development.

بخش‌های مربوط به نظریه بحران «پای» در آثار فارسی زیر هم آمده که از آنها نیز بهره گرفته شده است (بدیع، ۱۳۷۶، ۶۳-۶۱)؛ (بلاندل، ۱۳۷۸)؛ (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۶، ۷۶-۶۵).

حاصل شده، ظرفیت عملکردی و کارآیی سیستم را بهینه خواهند نمود. (pye, 1966, 63)

۱-۱-۲. بحران هویت^۶

عامل به وجود آورنده این بحران، تعارض میان وفاداری های نژادی و تعهدات ملی است. به عبارت بهتر، افراد یک جامعه در انتساب خود به وفاداری های ملی دچار شک و تردید می شوند و تعلقات قومی، قبیله ای، نژادی و ... را بر تعلقات ملی ترجیح می دهند. بدین ترتیب با ایجاد تردید در وابستگی و وفاداری به احساسات و علائق ملی، بحران هویت ایجاد می شود و وحدت و یکپارچگی جامعه دستخوش خلل می گردد.

حل این بحران منوط به آن است که از سویی میان مردم، احساس عمیق هویت ملی را برانگیخت و در هر فرد، احساسی پایدار از تعلق به یک جماعت محاط در یک سرزمین محدود را به وجود آورد و از سوی دیگر به اصلاح ساختارهای اجتماعی و تلاش در جهت حذف رگه های فرهنگی نوع «ده کوره ای» پرداخت و همچنین علائق نژادی، قبیله ای، طایفه ای و ... را در علائق ملی ادغام نمود و زیر مجموعه و در خدمت آن قرار داد.

۲-۱-۲. بحران مشروعیت^۷

این بحران زمانی شکل می گیرد که مقبولیت اعمال اقتدار دولت و اجرای مسئولیت های یک حکومت، دچار اشکال شده، از سوی مردم نفی شود یا حداقل در منبع این اقتدار و انحصار اجبار مشروع حکومت، تردید به وجود آید. این عدم مقبولیت می تواند ناشی از ضعف کارایی حکومت و تأمین منافع خصوصی الیگارشسی قدرت مدار، به جای تأمین عادلانه منافع عمومی باشد یا دلایلی مشابه داشته باشد. حاصل این بحران، واگرایی و تفرق به جای انسجام و یکپارچگی ملی است.

۳-۱-۲. بحران نفوذ^۸

ساختارهای حکومتی موجود باید سیاستی را در پیش گیرند که قادر باشد تمام جمعیت کشور را در بر گیرد و بازندگی روزمره مردم مماس باشد. حل مشکلات ناشی از

⁶ - Identity crisis.

⁷ - Legitimacy crisis.

⁸ - Penetration crisis.

بحران نفوذ از طریق ایجاد سلسله ای از نهاد های ملی، محلی و منطقه ای امکان پذیر است که صلاحیت خود را حتی در دورافتاده ترین روستاها نیز اعمال نمایند. این امر همچنین متضمن تعریف آهنگ مداوم مداخله دولت (برنامه، ملی کردن، نظارت های دولتی، سیاست گذاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) است. در واقع منظور از انجام این کار ایجاد محرکه هایی است که بین حکومت کنندگان و حکومت شوندگان اعتماد به وجود آورد و بر بی تفاوتی، انفعال و انزعال سیاسی حکومت شوندگان فائق آید و آنان را وا دارد در زمینه سیاست های دولتی انتظارات واقعی خود را مطرح کنند.

همچنین می توان ادعا نمود بحران نفوذ ماحصل فشار و خواست گروه های ذی نفوذ بر نخبگان حاکم، در جهت ایجاد تغییرات و نوآوری در نظام سیاسی است. اگر این فشارها سازمان یافته باشد، گروه های مزبور به گروه های فشار تبدیل می شوند. اگر نظام سیاسی این خواست ها را دریافت نماید و ظرفیت خود را در حوزه های اقتصاد، اجتماع، سیاست و فرهنگ افزایش دهد، بحران حل می شود وگرنه وجود این خواسته های تراکمی، سیستم را با امکان انفجار مواجه خواهد کرد.

۲-۱-۴- بحران مشارکت^۹

این بحران ناشی از افزایش سریع مساهمت طلبی بازیگران جهت ایفای نقش بیشتر در عرصه سیاسی اجتماعی و ... است. مسائلی مانند افزایش و جوانی جمعیت، نوسازی اجتماعی، ارتقای سطح آموزش و پرورش توده ها، بروز و تعمق بحران ها و شکاف های مختلف سیاسی اجتماعی و ... در فرایند نقش طلبی، موثر هستند. بحران مشارکت زمانی رخ می نماید که حکومت در محیط سیاسی، مداخلات گسترده ای انجام دهد. افزایش شمار بازیگران سیاسی ناگزیر تنش هایی را ایجاد می کند که بخشی از آن ها ناشی از عدم نهادینه شدن مساهمت سیاسی است. افزایش سریع گروه های منفعتی، باشگاه ها و حتی احزاب سیاسی، صورت بندی های جدیدی را جهت تعاملات سیاسی ایجاد می کند. چنین وضعیتی همراه با افراط گرایی توده ها و ارتقای سطح تقاضا برای ایفای نقش در صحنه سیاسی همراه است. بحران مشارکت در وضعیتی رخ می دهد که امکان مشارکت سیاسی برای بخشی از مردم به دلایل مختلف وجود نداشته باشد یا نظام سیاسی در جلب مشارکت

^۹ - Participation crisis.

آن‌ها ناکارآمد بوده یا فاقد ابزار لازم است یا این که نظامی الیگارشیک و متعلق به طبقه ایی خاص و منتفذ است که مشارکت خواهی بقیه را با انحصار طلبی نفی کرده، آن را فاقد وجهت قانونی می‌داند.

در چنین وضعیت بحرانی، مشارکت، منفعل و غیر خودجوش، مقطعی، دولتی، تحریک پذیر، احساسی و فاقد تشکل می‌باشد. برای رفع این بحران باید در جهت گسترش و تعمیم حق رأی همگانی و ایجاد زمینه مشارکت واقعی مردم و رفع انزال، بی تفاوتی و انفعال سیاسی آن‌ها تلاش نمود. محصول به سامان نمودن و حل این بحران، مشارکتی از نوع خود جوش، مردمی، پایدار، عقلانی، فعال، نهادمند و مبتنی بر تشکل‌های سیاسی، صنفی و سازماندهی‌های لازم است.

۲-۱-۵- بحران ادغام^{۱۰}

به عقیده لویسن پای، این بحران ناشی از مشکلات مربوط به ورود کنش سیاسی توده‌ها در چرخه‌های کارکردی است. این چرخه‌ها باید به ادعاها و خواسته‌های مطرح شده، شکل و جهتی مناسب با الزامات زندگی سیاسی بدهند. ایجاد شبکه مهمی از روابط متقابل که بین سازمان‌های سیاسی و سپس بین این سازمان‌ها و شهروندان پیوند برقرار کند، تنها راه حل این مشکل است. راهکارهایی جهت تحقق این هدف وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به تقویت کار ویژه تجمیع تقاضاها در احزاب سیاسی و تکمیل نظام‌های انتخاباتی اشاره کرد.

۲-۱-۶- بحران توزیع^{۱۱}

ششمین بحرانی که کشور در مسیر توسعه یابی باید با موفقیت آن را پشت سر بگذارند، ناشی از توزیع ناعادلانه منابع اقتصادی، فیزیکی، انسانی و ... است. در جامعه‌ای که سرشار از تنوع طبقاتی و شکاف‌های مختلف است، اگر نظامی خدمات خود را عادلانه بین همه مردم توزیع نکند، به چنین بحرانی دچار خواهد شد.

بحران توزیع به روش قدرت‌های حکومتی در توزیع کالاها، خدمات و ارزش‌ها در صحنه جامعه مربوط می‌شود. این بحران از الزام حکمیت بین گروه‌های مختلف اجتماعی،

¹⁰ - Fusion.

¹¹ - Distribution crisis.

از تعیین اولویت های نیازهای مطرح شده و از شیوه توزیع کارآمد و منصفانه نشأت می گیرد. حل این مشکل عموماً از طریق تقویت مداخلات دولتی و توسعه دستگاه اداری میسر است. (Pye, 1966, 25-66)

آنچه مسلم است حل این بحران ها به منزله دست یابی به کارایی و کارآمدی بیش تر یک نظام سیاسی است و هر چه حکومتی از کارآمدی بیش تری برخوردار باشد، با این بحران ها آسان تر برخورد خواهد کرد و به صورت سهل تری آن ها را به سامان نموده، پشت سر خواهد گذاشت. همچنان که بهبود کارایی های سیاسی در هر حکومتی از نظر پای یکی از سه اصل اساسی پیشرفت، توسعه و نوگرایی هر نظام سیاسی است.

۲-۲- کارایی و نظریه کارکرد گرای ساختاری سیستمی^{۱۲}

۲-۲-۱- نظریه کارکرد گرای ساختاری سیستمی

همان طوری که اشاره شد، از اواخر دهه پنجاه میلادی به بعد، نظریه پردازان مباحث توسعه و دگرگونی سیاسی و اندیشمندان مبحث نظام های تطبیقی به کنکاش در این حوزه ها پرداختند و سعی نمودند با تبیین و تعیین شاخص های لازم، معیارهای توسعه را مشخص نمایند و از این طریق ضمن ارائه الگوهای آرمانی نظام های توسعه یافته، سیاست ها و نظام های مختلف را با هم مقایسه کنند. مدل سازی های متعددی در این زمینه صورت گرفت که از جمله آنها مقایسه نظام های سیاسی به مثابه سیستم یا سازوکار بود. در واقع تحلیل سیستمی که در پی وقوع انقلاب رفتاری، وارد عرصه مطالعات علوم سیاسی شد، به عنوان یک الگو در تحقیقات سیاست های مقایسه ای از توان فوق العاده ای برخوردار شد.

از دیدگاه ژان بلاندل سیستم سیاسی عبارت است از سازوکاری که در آن ماشین حکومت، دارای یک سلسله فعالیت های عمومی (تخصیص ارزش ها) و ویژگی های وسیع می باشد و ترکیبی است از یک سلسله «ساختارها»^{۱۳} که توسط «کارویژه»^{۱۴} هایی که در انجام آنها تعهد و الزام وجود دارد، به یکدیگر مرتبط می شوند. (بلاندل، ۱۳۷۸، ۳۲-۴۶) این

¹² - Structural functional theory.

¹³ - Structure.

¹⁴ - Function.

تعریف در راستای تعریف دیوید ایسون قرار می‌گیرد که اولاً سیستم را مجموعه‌ای از عناصر دارای روابط ارگانیک که در حال تعامل و کنش و واکنش هستند، می‌داند و ثانیاً هر گونه تغییری در یک جز سیستم را موجد تغییرات در اجزای دیگر آن تلقی می‌نماید. به نظر این اندیشمند، نظام سیاسی مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل است که از طریق آن، ارزش‌ها، خدمات و کالاها بر حسب قدرت معتبر و مشروع برای همه بخش‌های جامعه سهم بندی می‌شود. (Easton, 1965, 57-69)

دیوید ایسون، گابریل آلموند،^{۱۵} تالکوت پارسونز،^{۱۶} مرتون^{۱۷}، لوی،^{۱۸} کلمن^{۱۹}، و پاول،^{۲۰} از مهمترین کسانی هستند که در این زمینه نظریه پردازی کرده‌اند، اما آرای ایسون و بیش‌تر از آن آلموند به مباحث این نوشتار نزدیک‌تر است. ایسون با استفاده از تحلیل سیستم‌ها در علوم طبیعی و اجتماعی توانست یک نوع صورت بندی سیستم را در علم سیاست مطرح نماید. در سال ۱۹۵۶، یعنی سه سال پس از انتشار اولین کتاب ایسون درباره سیستم سیاسی، گابریل آلموند نوع شناسی ساده‌ای از سیستم‌های سیاسی ملی ارائه داد که به جای تکیه بر مفاهیمی مثل نهاد، سازمان یا گروه، در آن به نقش و ساختار توجه شده بود. بدین ترتیب وی به همراه سایر همفکرانش صورت بندی جدیدی ارائه نمود که اساس آن را سیستم سیاسی تشکیل می‌داد و در آن مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با ساختار و کارکرد مورد استفاده قرار گرفته بود. از دید او نقش‌ها عبارتند از واحدهای متعامل سیستم سیاسی؛ ساختارها نیز به الگوهای تعامل یا کنش متقابل اطلاق می‌شوند، به این ترتیب نقش جای منصب و ساختار جای نهاد را می‌گیرد. بنابراین آلموند جزء طراحان کلاسیک و اصلی نظریه کارکرد گرای ساختاری در بستر تحلیل سیستماتیک و در علوم سیاسی می‌باشد.

از آغاز دهه ۱۹۶۰ آلموند و جیمز اس. کلمن مطالعات توسعه سیاسی خود را در بطن نظریه کارکرد گرای پی گرفتند. این نظریه در کلاسیک‌ترین شکل خود، جامعه یا نظام سیاسی را به مثابه مجموعه‌ای از عناصر به هم وابسته در نظر می‌گیرد. هر یک از این

¹⁵ - Gabriel A. Almond.

¹⁶ - Talcott parsons.

¹⁷ - Robert k. merton.

¹⁸ - Marion levy.

¹⁹ - James & Coleman.

²⁰ - Bingham Powell.

عناصر به گونه ای خاص در کار سازماندهی و کارکرد همان مجموعه که خود نیز جزئی از آن به شمار می رود، مشارکت دارند. از این زاویه، تحلیل کارکردی به دنبال تشخیص این مشارکت ها (یا کارکردها) و پاسخ هایی است که این کارکردها نیاز ویژه حفظ و تطبیق مجموعه مورد نظر به دست می دهند.

از منظر کارکردگرایی ساختاری، در کلیه نظام های سیاسی تنها درجه تداوم و تخصص گرایی ساختارها متفاوت است و گرنه همه این ساختارها چندکارکردی هستند و کار ویژه های همه نظام ها نیز یکسان است و تنها فرق آنها « آهنگ تحقق»، «تنوع ساختارها» و «شیوه انجام» آنهاست. هیچ نظام سیاسی کاملاً سنتی یا نو نیست، به همین دلیل فرایند توسعه جهان شمول و همیشگی است. آلموند و کلمن هفت کار ویژه جهان شمول را برای نظام های سیاسی استنتاج کردند که عبارت بودند از: آموزش و عضو گیری سیاسی، بیان منافع، تجمیع منافع، ارتباط سیاسی، تمهید قوانین، اجرای قوانین و عملکرد قضایی. تعیین این کارکردها امکان می دهد بتوان ساختارهای سیاسی دست اندکار را مشخص و درجه استقلال و تخصص گرایی آن ها را تخمین زد.

دو ویژگی اخیر، متغیرهای بنیادین توسعه سیاسی را تشکیل می دهند. آلموند و کلمن این دو ویژگی را از طریق مفهوم کلیدی «تمایز گذاری ساختاری» یعنی تمایز در اجزای ساخت در نظر گرفتند و ادعا کردند که بر اساس آن، سطح نوگرایی همه نظام های سیاسی قابل تشخیص است. از آنجا که کار ویژه ها و ساختارها، موجودیتی جهانی دارند، توسعه فقط می تواند به تمایز گذاری فزاینده آنها کمک می کند. بدین سان وجه مشخص جوامع سنتی، ساختارهای سیاسی گسیخته با کم ترین حد تخصص گرایی است، چرا که در این جوامع کارکردهای اجرای، تقنینی و قضایی و در همان حال مذهبی و اقتصادی، عموماً به وسیله یک مرجع واحد انجام می پذیرند. بر عکس، جوامع متجدد به ساختارهای انحصاراً سیاسی (پارلمان، حکومت، احزاب سیاسی، هیأت سیاسی و...) با تقسیم کار مجهز هستند، بنابراین درجه تمایز ساختاری طبعاً بر کیفیت کارکردها اثر می گذارد؛ به عنوان نمونه ساختارهای گسیخته با صلاحیت چندبُعدی نمی توانند جز به گونه ای ناچیز در کارکرد نظام سیاسی موثر و کارا واقع شوند. (Almond, 1963-64)

این چارچوب نظری، شش سال بعد به وسیله آلموند و پاول در کتاب سیاست تطبیقی تجدید و تکمیل گردید. این نظریه با لحاظ کردن کارکردهای جدیدی که به هفت کارکرد

اول اضافه و سپس در سه گروه دسته بندی می شد، غنا یافت: کارکردهای تبدیل و استحاله، کارکردهای تطبیق و کارایی های کارکردی نظام سیاسی. آلموند و پاول در تحلیل خود از کارکردها و ساختارها، فرهنگ سیاسی- یعنی مجموعه طرز فکرها، باورها، ارزش ها و صلاحیت هایی فرهنگ سیاسی- یعنی مجموعه طرز فکرها، باورها، ارزش ها و صلاحیت هایی که به طور معمول در مردم مشاهده می شود- را نیز مورد ملاحظه قرار دادند. آن ها یادآور شدند که این فرهنگ، خود را از جریان مشخصی از توسعه اثر می پذیرد که طی آن انسان ها بیش از پیش در کنش سیاسی خود عقلانی، تحلیلی و تجربی می شوند. از این رو توسعه سیاسی نه مانند سابق تنها با عبارت «تمایز گذاری های ساختاری» بلکه با عبارت «دنیایی شدن فرهنگ» (سکولاریزه) هم مورد اشاره قرار می گیرد و آلموند و پاول با این دو معیار به گونه شناسی و طبقه بندی نظام های سیاسی پرداختند. (Almond, 1966, 23-25)

۲-۲-۲. کارایی و کارکردهای نظام سیاسی

این کارکردها به شرح زیر هستند:

۱- کار ویژه های تبدیل و استحاله به این کار می آیند که امواج تقاضا و حمایتی را که از محیط به نظام می رسد، به تصمیمات موثری که بر کل جامعه اثر می گذارد؛ تبدیل کنند. این کار ویژه ها که شمارشان به هفت مورد می رسد، قبلاً از طرف آلموند و پاول به شرح زیر تعیین شده اند: (Almond, 1966, 12-14, 47, 9)

طرح علایق، تجمیع منافع، تمهید قوانین، اجرای قوانین، عملکرد قضایی و ارتباط سیاسی. دو کار ویژه اول، ورودی های نظام سیاسی را تنظیم می کنند، سه کار ویژه بعدی مربوط به خروجی های نظام مند و آخرین کار ویژه به هر دو وجه مربوط می شود. به وجود آمدن خلل در هر یک از این کار ویژه ها، موجب عدم تعادل و بی ثباتی و نهایتاً ضعف کارایی نظام سیاسی می شود. در عین حال این کار ویژه ها که جنبه جهان شمول هم دارند، شدیداً تحت تأثیر سطح توسعه جامعه می باشند. برای مثال کار ویژه پیوند منافع در یک جامعه ابتدایی هم به انجام می رسد، اما اعتلای آن فقط در جامعه ای مقدور است که از توسعه اقتصادی برخوردار باشد، زیرا این توسعه اقتصادی است که سبب تقلیل ادعاها و توسعه ارتباطات می شود که خود در گردش تقاضاها موثر است. اهمیتی که این کار ویژه کسب می کند، در بازگشت به سوی نظام سیاسی، باعث ایجاد ساختارهای تخصصی تر می

شود. سازمان های جدیدی به وجود می آیند (سندیکاها، جمعیت ها، گروه های فشار و ...) که جای سازمان های عام تری چون کلیسا، خانواده و غیره را که به نظر می رسد تا این زمان برای پیوند منافع را مجبور به توسعه و تکمیل دیگر کارکردهای خود می بیند، پس باید خود را به ابزارهایی مجهز کند که قادر باشند امواج تقاضا را مورد بررسی قرار داده ، حداقل پاسخ مناسب را به آنها بدهند.

۲- کار ویژه های تطبیق هم به همین ترتیب به روند توسعه سیاسی کمک می کنند. این کار ویژه ها از طریق مکانیسم های عضو گیری سیاسی و اجتماعی کردن سیاست (تربیت سیاسی) به نظام امکان می دهند خود را با فشارهای ناشی از دگرگونی تطبیق دهد. کار ویژه عضو گیری کمک می کند تا هر نقش سیاسی به مرجعی ذیصلاح واگذار شود. به تدریج که توسعه سیاسی به کمال می رسد نقش ها هم ضرورتاً تخصصی تر می شوند و به کارگرانی نیاز پیدا می کنند که کارشان از کیفیت بالاتری برخوردار باشد. این الزام فزاینده وجود ساختارهای خاصی را اقتضاء می کند که هدف آن ها انحصاراً تربیت و انتخاب یک هیأت سیاسی باشد. به همین ترتیب اجتماعی کردن سیاست نیز متضمن نشر و حفظ فرهنگ سیاسی ای است که با نیازهای کارکردی نظام سازگار باشد. این کار ویژه هم به نوبه خود به تولد نهادهایی مانند خانواده ، مدرسه و رسانه ها کمک می کند که در انجام وظایف خویش بیش از پیش تخصصی عمل کنند

۳- کارایی نظام های سیاسی، آخرین عنصر نظریه کارکردی آلموند و پاول هستند. این کارایی ها در بر دارنده پنج کار ویژه ای هستند که همه نظام های سیاسی در ارتباط با محیط خود انجام می دهند:

یک- توان استحصال که امکان کشف منابع مادی و انسانی لازم برای تحقق اهداف مورد نظر نظام را فراهم می آورد.

دو- توان تنظیم که اعمال نظارت کافی و هماهنگ نظام را بر افراد و گروه ها ممکن می سازد.

سه- کارایی توزیع که ناظر بر تقسیم کالاها، خدمات، افتخارات و وضعیت های موجود در سطح جامعه است.

چهار-توان سمبولیک که به مجموعه تلاش‌هایی مربوط می‌شود که نشر ارزش‌های سمبولیک را در جامعه تضمین می‌کنند و به جلب حداقل حمایت عمومی کمک می‌نمایند.

پنج-توان پاسخگویی که درجه حساسیت نظام و مهارت آن در ارضای تقاضاها را نشان می‌دهد.

بدیهی است که بهبود این کارایی‌ها به طور همزمان صورت نمی‌پذیرد. براین مثال کارایی‌های استحصال و تنظیم ضرورتاً باید قبل از کارایی توزیع به دست آیند. این ترتیب زمانی ناگزیر منشأ بحران‌های خطیری است، نظیر بحران‌هایی که دولت‌های جدید جهان سوم با آن روبرو هستند. از سوی دیگر منطقی‌اً بهبود هر یک از این کارایی‌ها به گونه‌ای گریزناپذیر با ایجاد ساختارهایی میسر خواهد شد که به شکلی تخصصی‌تر و تمایزگذاری شده‌تر عمل کنند. در این سطح عالی کارکرد، تداوم یکی از دو اصل نوسازی سیاسی رخ می‌نماید که در کانون نظریه آلموند و پاول خود‌نمایی می‌کند.

این دو اندیشمند سه نوع فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی را معرفی می‌کنند که کارایی آنها از کم به زیاد متغیر بوده و سومین آنها حائز بیشترین کارایی و اثر بخشی است. این پژوهش‌ها به تفکیک سه نوع فرهنگ عمده که با سه نوع واکنش در مقابل موضوعات سیاسی ارتباط دارند، انجامید: فرهنگ «ده کوره‌ای» که مبتنی بر بی‌تفاوتی و جهل نسبت به دولت ملی و سرفرو برده در واحدهای محلی متعلقه مانند قبیله یا روستاست. فرهنگ «انقیادی» که بر عکس، با آگاهی نسبت به نظام سیاسی ملی همراه است، ولی مردم در مقابل آن حالتی کاملاً انفعالی دارند. در این فرهنگ، افراد نسبت به نظام، احترامی توأم با ترس دارند و تصور می‌کنند که قادر به مشارکت در عملکرد آن نیستند. نوع سوم فرهنگ «مشارکتی» است که بر عکس، بر اراده شهروندان و اعمال کامل حقوق و تکالیف آنها استوار است. نویسندگان مزبور یادآوری این که هیچ‌یک از این انواع در حالت خالص خود وجود ندارند، نتیجه‌گیری کرده‌اند که نوع سوم، کارآمدتر و بهتر از سایر انواع و با دموکراسی‌های با ثبات سازگار است و در نتیجه مشخصه پیشرفته‌ترین نظام‌های سیاسی می‌باشد.

آلموند و پاول همچنین بر مبنای دو شاخص «تمایزگذاری ساختاری» و «دنیوی کردن فرهنگ» نظام‌های سیاسی را بر حسب سطح توسعه، طبقه‌بندی می‌کنند، در واقع

ملاک تقسیم بندی آنها می تواند بر مبنای میزان کار آمدی نظام ها نیز باشد که به شرح زیر از کم به زیاد افزایش می یابد:

- نظام های بدوی که صاحب ساختارهای سیاسی گسیخته و فاقد تنوع اند و با فرهنگی از نوع «ده کوره ای» مشخص می شوند.
 - نظام های سنتی که با درجه ای از تنوع ساختاری آشنا هستند و به مرحله فرهنگ اطاعتی دست یافته اند.
 - نظام های جدید که به زیر بنای سیاسی متنوعی (احزاب، گروه های منفعتی، رسانه های عمومی) مجهزند و بر فرهنگ مشارکتی تکیه دارند.^{۲۱}
 - سایر اندیشمندان این حوزه، کار ویژه هایی برای سیستم سیاسی تعریف کرده اند که تحقق آنها موجد کارآمدی و خلل و نقصان آن ها موجب ناکارآمدی سیستم سیاسی می شود. این کار ویژه ها عبارتند از:
 - حفظ انسجام و همبستگی در جامعه
 - ایجاد هنجارهای مشترک
 - دستیابی به اهداف
 - انطباق یا سازگار نمودن جامعه با شرایط و تغییرات جدید
- از این منظر، در یک سیستم سیاسی باید انطباق و سازواری، تعادل گرایی، توان های بالقوه برای افزایش ظرفیت، انعطاف انقباض و انبساط پذیری، کنترل توان تکثیر و ترمیم، ارتباطات سیاسی و جزء گرایی سیستماتیک وجود داشته باشد. مورد اخیر بدین معناست که در اجزا و زیر سیستم های نظام سیاسی مدرن، روابط جنبه قانونی، منظم و رسمی وجود دارند و هر زیر ساختار یا زیر سیستم از استقلال عمل بیشتری برخوردار است. ولی در جوامع غیر مدرن از نظر ساختاری اداری، روابط جنبه شخصی و غیر رسمی دارند و زیر سیستم ها از کفایت و استقلال لازم برخوردار نیستند و در نتیجه ناکارآمدی آن ها افزون تر است.

^{۲۱} - در شرح دیدگاه های آلموند، کلمن و پاول به وفور از این منبع استفاده شده است. (بدیع، ۱۳۷۶، ۵۳-۴۹)

۳- مفهوم کارآمدی در نظام سیاسی علوی

مفهوم اداره - یا به تعبیر امروزی تر "مدیریت" - در کلمات و بیانات امام علی (ع) با واژه‌هایی مانند: تدبیر، امره، قدرت، سید و سیادت و راعی به کار گرفته شده است. از سویی مفهوم "کارایی" با وجود تازه و عصری بودن در نهج البلاغه نیز بطور اخص و صریح اگر چه کمتر مورد اشاره قرار گرفته اما مضمون آن به خوبی در این زمینه بطور عام قابل مشاهده است. شایان ذکر است در حالی که پیشرفت و کارایی در سازمان و نظام‌های غیر دینی و لائیک تنها با ملاحظات مادی سنجیده می‌شود، سازمانها و نظام سیاسی در اسلام، پا را از این ملاحظات مادی فراتر می‌نهد. (جعفری، ۱۳۷۲، ۱۶۹-۱۷۰) و فقط به فکر اهداف زودگذر و کوتاه مدت بر پایه ملاحظات اقتصادی و کارایی اقتصادی و مادی نیست و بدینوسیله هدفهای فردی، اجتماعی، سازمانی و حکومتی را صرفاً در پرتو محاسبات مادی نمی‌نگرد بلکه ابعاد معنوی کارایی و شرافت انسانی و ارتقاء کرامت بشری را نیز در رفتار سازمانی و تعامل حکومت و مردم مد نظر دارد و بیشترین بازده مادی را به گونه‌ای متقارن با افزایش بهینه و کارایی بازده‌های معنوی در نظر می‌گیرد.

امام علی (ع) به مفهوم کارایی اشاراتی خاص داشته‌اند که دست کم دو مورد آن توسط نگارنده رؤیت و درک شده است. لازم به ذکر است اصلی‌ترین واژه مترادف "کارایی"، در زبان عربی کلمه "نفاذیه" و از مصدر ثلاثی مجرد "نفاذ" است که امام (ع) دقیقاً در حوزه مدیریت و حکمرانی اجتماع با کلماتی منشق از این ثلاثی، به کارایی و اثر بخشی اشاره نموده‌اند که عین این عبارات "نفاذهم" و "نفاذ" است. امام (ع) در نامه خویش به مالک اشتر داشتن کارایی را از مختصات و شرایط وزیران لایق بر می‌شمارند و در این فراز مهم (نامه ۵۳، بند ۱۷)، کلمه "نفاذ" را به معنای "کارا" و در نتیجه "نفاذهم" را به معنای "کاراترین" ایشان به کار برده‌اند. (نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۹۹۹) همچنین در فراز دیگری امام (ع) با جمله: "من عدل نفاذ حکمه" (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵، ۱۷۵) عدالت ورزی را مایه اثر بخشی و کارایی عملکرد حکومت به شمار آورده‌اند.

شایان ذکر است که در زبان انگلیسی برای معنای کلمه "کارآمدی" نیز از واژه Competence به معنای "صلاحیت و سزاواری" هم استفاده می‌شود. با این ملاحظه می‌توان به جرات اذعان کرد که امام (ع) با تأکیدی که همواره بر شایسته‌سالاری و گزینش لایقین داشته‌اند در فرازهای بی‌حدی با عباراتی مانند: "صلاح الولاه، اصلحهم، خیرهم،

اعلمهم، اقواهم، شفاعه الکفایه، و "همواره اصرار داشته اند که صالح ترین، بهترین، عالم ترین، قویترین، و با کفایت ترین کارگزاران در رأس تدبیر و مدیریت جامعه قرار گیرند و از جمله در خطبه های ۱۷۲ و ۲۱۶ و یا بندهای متعددی از نامه خطاب به مالک اشتر، گزینش فرماندهان، نویسندگان و منشیان و منوط به انتخاب سزاوارترین و بهترینها شده است. (نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۵۵۸، ۷۱۶)

علاوه بر جستجوی واژه کارآمدی در نهج البلاغه، می توان به مفهوم سازی در این باره پرداخت و با توجه به اینکه بسیاری از اندیشمندان معاصر همچون "لیپست" (lipset, 1959, 77) کارایی و کارآمدی را عملکرد حقیقی و واقعی حکومت یا برآورده شدن کار و یژه های اساسی حکومت توسط نظام تعریف کرده اند می توان کارآمدی را در معنای کار ویژه های اساسی حکومت و نحوه ایفای بهینه آنها تبیین نمود.

۳-۱- کارآمدی به معنای ایفای بهینه کلیه کار ویژه های حکومت

از دو منظر می توان به دیدگاههای امام علی (ع) در موضوع کار ویژه های اصلی حکومت نگریست؛ منظری عام و منظری خاص، در بخشهایی از نهج البلاغه همانند عهد نامه مالک اشتر، ایشان در فرازهایی کلی اهداف عالی حکومت را بر شمرده اند و در منظرهای خاص دیگر هم بصورت مباحثی فرعی، مقاصد حکومت را مورد تصریح قرار داده اند. به عنوان ذکر نمونه های منظر عام، در خطبه ۱۳۱، اهدافی مانند احیای دین و حاکم ساختن شعائر و احکام و قوانینی الهی، بر چیدن آثار فتنه و فساد و استقرار صلاح، حمایت از بندگان مظلوم و محروم و اقامه حدود الهی اشاره شده است. (نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۴۰۶-۴۰۷) همچنان از بیانات امام علی (ع) در خطبه ۴۰، اهداف حکومت چنین استنباط می شود: (نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۱۲۵)

- ۱- بستر سازی و تمهید حیات مادی و معنوی مومنان.
- ۲- تأمین حقوق سایر شهروندان و در امان بودن غیر مؤمنین و تأمین حیات مادی ایشان.
- ۳- تأمین امنیت و استیفای حقوق مردم بویژه مظلومان جامعه.
- ۴- بسامان نمودن نظام اقتصادی جهت اداره صحیح و توانمند جامعه و کشور.

نگارنده در نوشتار دیگری با ذکر مستندات فراوان از نهج البلاغه، اهداف و کارویژه‌های حکومت را از دیدگاه امام (ع) به شرح زیر ذکر نموده است: (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹، ۱۴۸-۱۲۹)

- ۱- تأمین سعادت مادی و معنوی و توجه به رشد و بالندگی مردم.
- ۲- احیاء، احقاق و اقامه حق و دفع باطل.
- ۳- تحقق عدالت.
- ۴- تأمین امنیت.
- ۵- تحقق وحدت امت در پرتو حکومت رهبری الهی.
- ۶- تأمین رفاه عمومی.
- ۷- حفظ کرامت انسانی.
- ۸- وصول به تعامل صحیح و مثبت بین حکومت و مردم و کسب حداکثر رضایت آنها. بدیهی است میزان دستیابی به این اهداف و تحقق این کار ویژه‌ها، تعیین کننده میزان کارآمدی و کارایی حکومت می‌تواند باشد.

۳-۲- شاخصه‌های مهم کارآمدی و کارایی در نظام سیاسی علوی

برای کارآمدی و کارایی در نهج البلاغه می‌توان شاخصه‌هایی تعریف کرد. البته این اشارات نوعی فهم و دریافت از کلام امام (ع) است و گرنه حضرت به طور مشخص به چنین تقسیماتی ذیل عنوان کارآمدی اشاره نداشته‌اند بلکه در حقیقت با تفسیر نهج البلاغه و تبیین مفهوم کارآمدی می‌توان چنین سنجه‌ها و اصولی را برای این واژه تعریف کرد که وجود آنها باعث افزایش کارایی و کارآمدی حکومت می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶، ۹-۳۸) که فقط به عناوین آنها - با ذکر یک شاهد از نهج البلاغه - اشاره می‌شود:

۳-۲-۱. اصل عدالت و عدالت‌ورزی

«هر کس عدل بورزد حکمش نافذ و کارا می‌گردد». (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵، ۱۷۵)

۳-۲-۲. اصل شایسته‌سالاری

«در استخدام کارکنان و فرمانروایان شفاعت و وساطت کسی را مپذیر، مگر شفاعت شایستگی و امانت داری خود آنها... (شمس الدین، ۱۴۱۱، ۳۰۱) سزاوارترین کس به خلافت، قوی‌ترین مردم نسبت به آن و داناترین آنها به فرمانهای خدا است!»

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداو ۱۳۹۳

(نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۵۵۸) ۲۲

۳-۲-۳. اصل تجربه گرایی

در خطاب به مالک اشتر: «کارگزاران خود را از صاحبان تجربه و مهارت که از خاندانهای صالح باشند انتخاب کن» (نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۱۰۳۴، ۱۰۱۱)

۳-۲-۴. اصل نظارت و کنترل

«بازرسانی را بر آنان اعزام کن که اهل راستی و وفادار باشند... آنان را بر اساس خبرگی و شایستگی به کار بگمار از روی روابط و امتیازات نابجا، آنان را به کار نگیر» (نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۱۰۱۱-۱۱۲)

۳-۲-۵. اصل ضابطه و قانون گرایی بجای رابطه گرایی

در خطاب به خلیفه دوم: «سه چیز است که اگر به آن عمل کنی تو را کفایت می کند و اگر ترک کنی، هیچ چیز تو را کفایت نمی کند: اقامه حدود بر قریب و بعید، قضاوت بر اساس کتاب خدا در حال رضا و سخط، و تقسیم عادلانه بین قرمز و سیاه» (الهامی نیا، ۱۳۷۹، ۲۳) ۲۵۹

۳-۲-۶. اصل امانت داری، تکلیف گرایی و مسئولیت شناسی

خطاب به اشعث بن قیس (استاندار آذربایجان): «همانا پست استانداری، برای تو، وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست. باید که از فرمان الهی و امام خویش پیروی کنی ... در دست تو، مالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه دار آنی، تا به من بسپاری ...» (نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۸۳۹): ۲۴

۳-۲-۷. اصل الگو بودن رهبران و مدیران و ساده زیستی آنان

«بر رهبران حق است که درخوراک و پوشاک، همانند ضعیف ترین مردم رفتار نموده، از هیچ چیز اضافی که آنان قادر به تهیه آن نیستند برخوردار نباشند، تا فقرا با دیدن

۲۲ - خطبه ۱۷۲، همچنین ر.ک، خطبه ۷۳، ص ۱۷۲-۷۱، خطبه ۱۷۲، بند ۶، ص ۵۶۰-۵۵۹.

۲۳ - همچنین ر.ک، به: (نهج فیض الاسلام، ۱۳۵۱): خطبه ۲۱۵، بند ۲ الی ۷، ص ۷۱۵-۷۱۴ و نامه ۴۱، ص ۹۶۰-۹۵۷ و نامه ۵۳، بند ۸۵، ص ۱۰۳۱.

۲۴ - همچنین ر.ک، نامه ۲۶، بند ۶ و ۷، ص ۸۸۶ و نامه ۴۰، بند ۱ و ۲، ص ۹۵۵ و خطبه ۳۳، ص ۱۱۱.

رهبران، در آنچه هستند از خدا راضی باشند و ثروتمندان با دیدن آنان شکر و تواضعشان بیشتر شود». (المحمودی، ۱۳۸۵، ۴۹) ^{۲۵}

۸-۲-۳. اصل کفاف و قناعت و پرهیز از اسراف

« میانہ روپاش و از زیادہ روی دست بردار، و امروز، فردا را به خاطر آر و از مال نگہ دار چندان کہ تو را کارساز است، و زیادت را پیش فرست برای روزی کہ تو را بدان نیاز است» ^{۲۶}. (نہج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۸۷۲)

۴- کارآمدی در نظام ج.ا.ا.

۴-۱- شاخصه های کارآمدی در ج.ا.ا.

برخی از صاحب نظران، شاخصه های مزبور را هم از منظرهای کلان و هم از منظرهای جزئی مورد اشاره و بحث قرار داده اند. مثلاً گفته می شود کارآمدی معطوف به تحصیل شرایط رقابت در وضعیت جهانی شدن به مفهوم افزایش برتری در چهار زمینه است:

- عقلانی بودن به مفهوم إقناع عقل بشری، قابل اثبات بودن با قواعد علمی
- زیبایی به مفهوم جلب احساسات و عواطف بشری
- عملی بودن به مفهوم موفقیت در مقام آزمون و تجربه
- اتکاء به قدرت و ابزار پیام رسانی به مفهوم اثر گذاری در افکار جهانی با تسلط بر ابزار و فن آوری پیام رسانی. (روحانی، ۱۳۷۹، ۳۶-۵)

بدین ترتیب می توان استنباط کرد هر برنامه ریزی در راستای افزایش کارآمدی می بایستی واجد ویژگیهای پیش گفته باشد. در اینجا به طور جزئی تر به ذکر شاخصه های کارآمدی در نظام ج.ا.ا. می پردازیم.

۴-۲- دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در مبحث کارآمدی نظام ج.ا.ا. در خلال چندین سال گذشته، دو گونه اشاره داشته اند، یا در منظری عام به راهبردهای اعتلای تمدن اسلامی و تحقق حیات طیبه اسلامی و موارد متمد و مُخل آن اشاره نموده اند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸، ب، ۸۹-۹۱) یا

^{۲۵} - همچنین ر.ک. (نہج فیض الاسلام، ۱۳۵۱، ۶۶۳-۶۶۴) خطبه ۲۰۰، بند ۴.

^{۲۶} - نامه ۲۱، بند ۱.

آنکه در منظری خاص بویژه در یکی دو سال اخیر ضمن اشاره به وظائف نظام سیاسی، شاخصه‌های کارآمدی آن را بیان نموده‌اند. ایشان با تأکید اساسی بر نوسازی معنوی و فرهنگی و عدالت محوری، در اردیبهشت ۱۳۸۰، نظام سیاسی دهساله نبوی در مدینه را نمونه کامل حاکمیت اسلام برای کلیه ادوار و زمانی و مکانی دانسته و هفت شاخص و مهم و برجسته آن را: ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت، و کار و حرکت و پیشرفت دائمی به شمار آوردند.

آیت ... خامنه ایی با تحلیل جامعی از نظام مطلوب مرد سالار دینی و ذکر مزیت‌های آن به نسبت دموکراسی‌های غربی (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۶/۷، ۲۰۱۵)، در شهریور سال ۱۳۸۰ طی بیانات مبسوطی در جمع رئیس جمهوری و هیأت وزیران دیدگاه‌های خود را در مورد شاخصه‌های کارآمدی و ناکارآمدی نظام اسلامی و وظائف و ویژگی‌های الزامی آن بیان نمودند.

ایشان دولت در نظام اسلامی را دولت کریمه دانسته و شرایط تحقق چنین دولتی را؛ عزت، سربلندی، اعتقاد راسخ به راه اسلام و انقلاب، نفوذ ناپذیری و پایداری، قدر دانستن متاع گرانقدر انقلاب، و بیان آرمانها و حرفهای نو برای جامعه بشری از جمله مرد مسالاری دینی، اعلام داشته و با تأکید بر لزوم کارآمدی دولت تصریح کردند؛ فلسفه وجودی دولت در نظام اسلامی، تبدیل حرفهای خوب به اقدامات خوب و اعمال صالح است و برای تحقق این مهم باید دولت را دولت کار و عمل قرار داد. از نظر مقام رهبری، عوامل مؤثر در افزایش کارآمدی دولت به شرح زیر است:

- ۱- مغتنم شمردن فرصتها و استفاده کامل از آنها توسط دولت.
- ۲- انتخاب عناصر کاردان و کارشناس به عنوان بازوهای اجرایی وزیران.
- ۳- تحت نظر داشتن دائم مدیران و نظارت دقیق بر آنها.
- ۴- پیگیری مستمر و قاطعانه مسائل و بازرسی دقیق امور.
- ۵- تمرکز بر مسائل مهم و برنامه ریزی مؤلفه‌های هامی مانند:
 - الف- ایجاد اشتغال و رفع بیکاری
 - ب- نوسازی صنعت
 - ج- پیوند دانشگاه و صنعت
 - د- خودکفایی دولت در مواد غذایی اصلی از جمله گندم، برنج و روغن

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

- ۶- جلوگیری از طولانی شدن اجرای طرحها و تاکید بر ضرورت برنامه ریزی کاهش زمان اجرای آنها.
 - ۷- اولویت کامل مسئله عدالت در همه سیاست گذاریها و برنامه ریزیها و اجرای پروژه ها.
 - ۸- پرهیز مسئولان از اشرافی گری و ممانعت از تجمل گرایی آنان در راستای تحقق عدالت و نفی پیامدهای منفی این پدیده مذموم در فرهنگ عمومی.
 - ۹- رعایت امانت و درستکاری توسط مسئولان و حفظ کامل و دقیق بیت المال و رعایت اولویتها در هزینه کردن اعتبارات به عنوان مصادیق امانت داری دولت و کارگزاران آن.
 - ۱۰- مبارزه قاطع با مفاسد مالی و اقتصادی و هر نوع فساد و اسراف و تبعیض در دواير مختلف و تحت هر نام و توجیه و ضرورت رعایت مفاد نامه ۸ ماده ای به سران سه قوه در این باره.
 - ۱۱- پرهیز تمامی دولتمردان و مسئولان کشور از گفتارها و کردارهای تشنج آفرین و موجد تهییج سیاسی.
 - ۱۲- عدم تبدیل دولت و دستگاههای تابعه به مکان و فعالیت و تبلیغ احزاب و گروههای سیاسی و ممانعت از پرداختن وزراء به کارهای حزبی، نفی سیاسی بازی و تقویت کارسیاسی متدینانه.
 - ۱۳- ضرورت هماهنگی و همناوختی بیشتر بین اجزای مختلف دولت و همچنین میان دولت و سایر دستگاهها.
 - ۱۴- تقویت و استقرار معنویت و اخلاق و افزایش تدین مردم به عنوان مهم ترین وظیفه دولت.
 - ۱۵- جلوگیری از شیوع فساد و مقابله با تظاهر به بی دینی و مظاهر فساد.
 - ۱۶- نظارت بر عملکرد دستگاهها
 - ۱۷- ضرورت پاسخگو بودن دولت، به معنای داشتن استدلال قانع کننده و تفکر منطقی برای طرح و برنامه و اقدام توسط دولت. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۵، ۷)
- متأسفانه باید اقرار کرد که با وجود توصیه های اکید مقام رهبری در زمینه ضرورت بازرسی و نظارت در کلیه امور کشور و با لحاظ این مسئله که نظارت یکی از شاخصه های

انکار ناپذیر کارآمدی هر نظام مدیریتی و سیاسی است ولی ضعفها و نقائص آشکاری در این حوزه و در کشور ما بچشم می خورد. در جمع بندی مشکلات و نارسایی های ساختار نظارتی کشور می توان به موارد زیر اجمالاً اشاره کرد:

- ۱- گستردگی و پراکندگی واحدهای نظارتی از بعد ساختاری، تنوع وظائف و اهداف.^{۲۷}
- ۲- عدم وجود نظام تبادل اطلاعات میان سازمان های نظارتی به صورت پویا.
- ۳- عدم وجود همکاری و هماهنگی میان سازمانهای نظارتی در دسترسی به اهداف.
- ۴- عدم وجود هماهنگی در سیاستگذاری مشترک میان سازمان های نظارتی.
- ۵- تصور وجود دوباره کاری و فعالیت موازی در دستگاههای اجرایی و نظارت شوندگان به دلیل تعدد مراکز نظارتی و قوانین حاکم.
- ۶- تصور وجود شکاف عمیق بین سازمان های نظارتی و دستگاههای اجرایی.
- ۷- عدم وجود استانداردهای روشن در امر نظارت و کنترل
- ۸- تلقی وجود بازرسی و نظارت های بازدارنده و غیر کارا.
- ۹- مشکلات زمینه ای و فرهنگی در نهادینه شدن امر نظارت و کنترل
- ۱۰- عدم نهادینه شدن استفاده از نظارت همگانی و حرکت به سوی خود کنترلی در دستگاههای اجرایی.

ایشان در نشستهای متعدد با کارگزاران دولتی و همچنین در بیاناتشان، ابعاد و راهکارهای افزایش کارآمدی دولت را همواره بیان نموده اند که تفصیل آن در جای دیگر آمده است(اخوان کاظمی، ۱۳۸۹، ۱۶۸-۱۹۳)

بدین ترتیب عدم هماهنگی بین دستگاههای اجرایی نظارتی در هر دو زمینه داخل قوا و بین قوا و تعدد سازمانهای نظارتی و مراجع متعدد تصمیم گیر وعدم وجود ارتباطات اطلاعاتی بین سازمانهای نظارتی، در کنار حرفه ای و تخصصی نبودن سازمانهای یاد شده و عدم وجود مرجع واحد برای تدوین استانداردها و یکسان سازی عملیات نظارت و حسابرسی موجب خلل و خدشه نظارت بهینه و کارآمد در کشور گشته و بدیهی است رفع این موانع و

^{۲۷} - نظارت بر دستگاهها و دواير جمهوری اسلامی امروزه از طريق سه قوه و بواسطه دواير متعددی مانند؛ ديوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کشور، ديوان محاسبات کشور، معاونت هزینه وزارت امور اقتصادی، سازمان حسابرسی، وزارت دادگستری، و ... صورت می گیرد.

معایب در تجهیز و تمهید نظارت پویا و معطوف به کارایی و کارآمدی نظام سیاسی بی اندازه مؤثر خواهد بود. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱، ۲۲۳-۲۷۳)

۴-۳- سایر دیدگاهها

از منظرهای جزئی تری نیز می توان شاخصه های کارآمدی در نظام ج.ا.ا ر ابه شرح زیر عنوان نمود:

۱- کارا نمودن بیشتر فقه و نظام اسلامی با اتکاء به اجتهاد پویا و شورای إفتاء. فقه و فقهات شیعی محور و مبنای حوزه های مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی در نظام ج.ا.ا است موتور محرکه فقه حاضر، در حقیقت «اجتهاد فقها» است و بدیهی است کارآیی و کارآمدی شیوه های اجتهادی بطور کاملاً مستقیمی با کارآمدی این نظام مرتبط و متناسب است.

این واقعیتی است که « هنوز توان عظیم فقه، در گره گشایی معضلات زندگی و حل نقاط کور در مناسبات اسلامی فرد و جامعه به کار گرفته نشده، و بعضاً شناخته نشده است. پدیده های روز به روز زندگی در مقام استفهام و استفاء از فقه اسلامی، طبعاً باید به پاسخی قانع کننده و حکمی قابل استدلال برسد.» (پیام آیه الله خامنه ای، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴) شیوه اجتهاد پویای امام خمینی (ره) در پاسخگویی به این معضلات بسیار راهگشا است. شیوه ایی که با لحاظ مؤکد نقش زمان و مکان در اجتهاد، در مرحله نظری و عملی، در آن تفریع و تطبیق صورت می گیرد و پس از سنجیدن ابعاد قضایا و بررسی ویژگیهای موضوعات در بستر زمان و مکان، استنباط بر اساس منابع شناخت انجام می پذیرد و بدین ترتیب هیچ رویدادی چه در زندگی فردی و چه اجتماعی و حکومتی بی پاسخ نمی ماند و شرایط زمان و مکان و احوال در تغییر موضوعات و احکام الهی دخیل می گردند این شیوه با غناء بخشی به فقه اسلامی از نظر پرداخت به فروع و مصادیق، حکومت اسلامی را در همه زمینه های اجتماعی و حکومتی، مبسوط الید نگه می دارد. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸، ۵۱-۹). از سویی در وضعیت فعلی، ساختار کنونی و پرتعداد نهاد إفتاء، پاسخگوی بسیاری از نیازها نیست. زیرا اولاً مسائل مستحدثه حکومتی که از زاویه حکومتی به آنها نگریسته نشده فراوان است، ثانیاً در مسائل حکومتی به اجرا گذاشتن تمام فتاوا ناممکن است. برای حل ساختار نهاد إفتاء معمولاً از سه طرح؛ اصلاح ساختار مالی این نهاد و حوزه ها، تخصصی

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

شدن فقه، و طرح ایجاد شورای فتوا یاد می‌شود تا بدینوسیله بر تعامل صحیح و کارآمدتر نهاد افتاء با نظام اسلامی در حل گره‌های فقهی کشور افزوده شود. (جعفر پیشه فرد ۱۳۷۹، ۶۷-۶۶).

۲- منطقه فراغ دانستن شکل و شیوه حکومت، و تفکیک قلمروهای دینی از حوزه‌های تجربی و کاربرد عقل و منطق در منطقه مزبور. (روحانی، ۱۳۷۹، ۵)

۳- کاهش تصدی‌گری دولت و مقابله با تمرکز، فربه‌گی و توسعه دولت و تاکید بر مشارکت فعال مردم و جایگزین نمودن و ترجیح اصل حاکمیت، سیاستگذاری و مدیریت و نظارت دولت بجای تصدی‌گری آن و تاکید بر دولت حداقل.

۴- محوریت بخشی به احزاب با صلاحیت در مدیریت کشور.

۵- جایگزین نمودن حکومت برنامه‌دار بجای حکومت کارپرداز.

حکومت برنامه‌دار دارای سه رکن اساسی کارآمدی زیر است:

الف- داشتن تصویری واقع‌گرایانه و علمی از وضعیت (کارشناسی)

ب- داشتن استراتژی حساب‌شده و قابل‌ارزیابی.

ج- سازماندهی مناسب نیروها و قانون‌مداری رفتار آنها.

از این نگاه، توسعه که در وسیع‌ترین تلقی معادل کارآمدی است دارای علائم زیر می‌باشد:

الف- واقع‌بینی: عامل همواره در پی تصویری هر چند نزدیکتر به واقع از وضعیت است و آن را ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌دهد، نه آنچه خود برای واقعیت می‌پسندد.

ب- اصول‌گرایی: عامل همواره سعی دارد در تنظیم مقاصد عملی و فعلی خود، توجیه آن را تا مقاصد عالی ترسیم نماید.

ج- امکان‌سنجی: یعنی برنامه‌های اقدام و مقاصد عملی همواره امکان‌سنجی و متناسب با امکانات طراحی شود.

د- سازماندهی مناسب امکانات و استفاده مقتضی و به اندازه از آنها.

(لاریجانی، ۱۳۷۹)

۶- کاربری مدیریت علمی و جذب نیروهای متخصص و مقابله با تغییر مداوم مدیران و مدیریت حزبی و قبیله‌ای.

۷- نهادینه کردن و حاکمیت قانون و شفاف‌سازی و تحقق قانون اساسی.

تحقق قانون اساسی و نهادینه کردن و حاکمیت قانون بطور حتم نقش غیر قابل انکاری در فعلیت بخشی به تواناییها و کارائیهای هر نظام سیاسی و از جمله در ج.ا.ا. دارد. قانون اساسی، پیمان نامه ای همگانی و میثاق عمومی است که سقف اجماعی زیست جمعی و ملی، در چارچوب واحد ملی را تشکیل می دهد. قانون اساسی مبانی و اصول دو امر بنیادین یعنی مشروعیت و کارآمدی در یک نظام سیاسی و واحد ملی را بر عهده دارد. قانون مزبور می کوشد با تنظیم و تدوین اصول لازم، دو نیاز فوق را به صورتی عام پاسخ گوید و تا جای ممکن زمینه های بحران سازی در نظام سیاسی را از بین ببرد و با سازو کار خود تنظیمی، ثبات، پویایی و باز تولید مداوم سامانه سیاسی را معین کند. اما از آنجا که قانون اساسی مجمل و کلی است، نظامهای سیاسی با تقنین قوانین جزئی تر و وظیفه تحقق، شفاف سازی و عملیاتی نمودن قانون اساسی را بر عهده دارند تا علاوه بر تبیین، ابهامات و توازی و تداخل های پیش بینی نشده کارکردی در میان قوا و نهادهای حکومتی بر طرف گردد. ضرورت عملیاتی و اجرایی کردن هماهنگ، منسجم، شفاف و منجز اصول قانون اساسی و حیطه های اختیارات و وظایف هر یک از قوا و نهادهای نظام سیاسی از جمله الفبای هر حکومت قانونی، مشروع و کارآمد است. برخی از حوزه ها و اصول قانون اساسی که نیازمند بررسی و ابهام زدایی قانونی است به شرح زیر می باشد:

الف- اصل ۵۷ و موضوع استقلال قوا.

رابطه اصل استقلال قوا با اصول همکاری، هماهنگی، نظارت و پاسخگوئی قوا می بایستی به درستی و در عمل روشن تر گردد.

ب- اصول مربوط به رئیس جمهوری و اختیارات و مسئولیتهای وی (اصل ۱۱۳ و ۱۰۷

و ۱۲۲)

ج- اصل ۱۱۰ مربوط به وظائف و اختیارات رهبری.

به باور عده ایی (قانون اساسی، مشروعیت ۱۳۷۹، ۱، ۳، ۶) در قانون اساسی و اصل ۱۱۰ مشخص نیست که اختیارات رهبری از باب حصر است یا از باب اشاره؟^{۲۸} از سویی با

^{۲۸} - امام خمینی (ره) نیز تعیین و ترسیم حاکمیت ولایت فقیه را در حکومت و جامعه، یکی از مهمترین مسائل مبتلا به نظام می دانستند که باید مورد تبیین و بحث واقع شود. ر.ک. به: (صحیفه نور، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ۴۶-۴۷). بیانات مورخ ۶۷/۸/۱۰.

توجه به تفاوت دو مفهوم «وظیفه» و «اختیار»، تنجیز این دو مقوله می‌تواند به بسیاری مناقشات و منازعات سیاسی بی‌حاصل پایان دهد. هر چند که بر اساس تفسیر کلمه «اطلاق» در مفهوم ولایت مطلقه فقیه، تصور غالب و قانونی بر اشاره داشتن اصل ۱۱۰ به پاره‌ای از اختیارات ولایت فقیه است. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰، ۲۶-۳۰)

د- اصل ۱۱۲، مربوط به مجمع تشخیص مصلحت.

باید دقیقاً مشخص گردد که آیا این مجلس، مجلسی مشورتی یا قانونگذار است و غیر از وظیفه‌ای که قانون اساسی برای آن برشمرده - یعنی داوری میان مجلس و شورای نگهبان بر اساس تشخیص مصلحت نظام و مشاوره دادن به رهبری برای ایفای بهینه وظائف ایشان - اختیار یا وظیفه دیگری هم دارد یا خیر؟

ه- اصل ۹۹، مربوط به نظارت شورای نگهبان بر انتخابات.

تقنین و تنجیز شفاف حوزه نظارت و اجراء این شورا در انتخابات، مایه پیشگیری از تنش میان عملکرد شورای نگهبان و وزارت کشور و کشمش‌های ادواری آنها در موسم هر انتخابات خواهد بود که همواره هزینه‌های فراوانی را بر نظام تحمیل می‌کند.

و- اصول مربوط به روابط قوه قضائیه با مجلس و مسئولیتهای وزیر دادگستری (اصول

۱۵۸، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۸ و...)

روابط قوه قضائیه با مجلس و دولت نیز نیازمند کارآمد سازی است. باید در قانون مشخصی شود که اختیار و مسئولیت وزیر دادگستری چیست و قوه قضائیه با چه سازو کاری در مقابل ملت و نمایندگان آن پاسخگو است؟ اگر رئیس قوه قضائیه در برابر مجلس پاسخگو نیست، پس در مقابل چه مرجع و نهادی پاسخگوست. سازو کار آن چیست؟

۸- انجام بهینه کلیه وظائف حکومت بویژه تأمین امنیت در معنای وسیع کلمه.

۹- تقویت و گسترش جامعه مدنی و نمادهای مشترک و کسب وجه بین

المللی. (حجاریان، ۱۳۷۳، ۸۵)

۱۰- ضرورت پاسخگو بودن دولت و نظارت دقیق و هماهنگ بر عملکرد دستگاهها

۱۱- رفع محرومیت و برقراری رفاه عمومی .

۱۲- هماهنگی و انسجام درونی در نظام سیاسی.

۱۳- اتخاذ راهبردها و اهداف متناسب با قدرت ملی

۵- نتیجه گیری

در مباحث پیشرفت و توسعه، یکی از بهترین واژه‌های قرآنی برای بیان کلمه پیشرفت، واژه «علو» و واژگان هم خانواده ایی مانند: تعالی، متعال، به معنای: والایی، بلند و بزرگ مرتبه ایی باشد. این صفت در بسامد بسیار بالایی برای توصیف و تنزیه خداوند در قرآن به کار رفته است^{۲۹} زیرا که خداوند متعال، نهایت تعالی، والامرتبه ایی، علو، پیشرفت، تکامل و نورانیت است و به همین دلیل باید مقصد هر گونه حرکت تکاملی و تعالی جویانه باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ۳۷) و در حقیقت این گمانه مؤید این نکته بسیار مهم است که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، توسعه اصلی در توحید و حیات طیبه و مؤمنانه بوده و اهداف سترگی مانند عدالت خواهی و ظلم ستیزی در مرحله اول می بایستی به توحید و ایمان به وحدانیت الهی و نفی هر گونه کفر و شرک بیانجامد

به نظر می رسد که یکی دیگر از واژه‌های معطوف به معنای پیشرفت کلمه «اصلاح» باشد همچنانکه مقصد هر گونه تعالی و پیشرفتی نیز باید به اصلاح منجر شود. در توضیح بیشتر باید گفت که اساساً دانش سیاسی در اسلام دانشی توحیدی و همزاد با بعثت اسلام و رسالت نبوی بوده و بر مدار عبودیت الهی و تمهید تربیت و اصلاح توحیدی آحاد جامعه بشری بنیاد یافته است. از این منظر وظیفه حکومت اسلامی تلاش در جهت «اصلاح» توحیدی و ربانی مردم و نظام اجتماعی است و از سوی دیگر مردم با وظیفه «استصلاحی» می بایستی پذیرای این رویه اصلاحی باشند و در این زمینه با دولت، از منظر مسئولیت و تکلیف دینی و اجتماعی خویش همکاری نمایند.

با این قالب سازی و بر این مینا، کارآمدی در نهج البلاغه و بر بستری توحیدی و تعالی بخش تعریف شد و بدینسان کار ویژه‌های اساسی و آرمانی حکومت و نوع اعمال بهینه آنها از سوی امام علی (ع) تشریح گردید ضمن اینکه نشان داده شد که مقام معظم رهبری نیز الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت را نیز مبتنی بر تعالی توحیدی دانسته و ضمن ارایه شاخص‌های آن، بر محوریت نوسازی معنوی و فرهنگی با اتکاء به عدالت محوری تاکید ورزیده اند و همچنین از مجموع دیدگاهها و راهکارهای مطروحه صاحب نظران، برخی از شاخصه‌های

^{۲۹} - برخی از این آیات عبارتند از: «و هو العلی العظیم»، بقره، ۲۵۵؛ «سبحانه و تعالی عما یقولون کبیرا»، اسراء، ۴۳؛ «تعالی عما یشرکون»، نحل، ۳؛ «عالم الغیب والشهاده الکبیر المتعال»، رد، ۹؛ «فتعالی الله الملک الحق»، طه، ۱۱۴

اجماعی تر کارآمدی نظام، بیان گردید و بدیهی است که این شاخصه‌ها باید برتعالی توحیدی ابتناء یابد.

در چنین صورتی و با اتکاء بر مطالب پیش گفته، از جمله استنتاجات این پژوهش آن خواهد بود که در حالیکه پیشرفت و کارآمدی در سازمان و نظامهای غیر دینی و لائیک به طور معمول و غالباً با ملاحظات مادی و سکولاریستی سنجیده می شود، سازمانها و نظام سیاسی در اسلام الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پا را از این ملاحظات مادی فراتر می نهند و با طرح موضوعاتی همچون «تعالی»، «عدالت»- و در ذیل آن «عدالت»-، فقط به فکر اهداف زود گذر و کوتاه مدت و بر پایه ملاحظات اقتصادی و کارایی مادی نیست و بدینوسیله هدفهای فردی، اجتماعی، سازمانی و حکومتی را صرفاً در پرتو محاسبات مادی نمی نگرد بلکه در بستری توحیدی، ابعاد معنوی کارایی و شرافت انسانی و ارتقاء کرامت بشری را نیز در رفتار سازمانی و تعامل حکومت و مردم مد نظر دارد و بیشترین بازده مادی را به گونه متقارن با افزایش بهینه و کارایی بازده های معنوی در نظر می گیرد.

باید خاطر نشان نمود که شاخص سازی برای مفهوم کارآمدی، در طراحی الگوهای توسعه و پیشرفت، دارای یک فرمول قطعی و صد درصد نیست و بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی و تحولات عرصه های مختلف، این شاخص ها تغییر پذیرند بویژه همانگونه که امروزه همه به یقین باور دارند که مدل‌های توسعه هر کشوری مختص خود آن کشور است و نمی توان به ارائه الگویی جزئی و کلیشه ایی برای همه دول پرداخت، در مورد تحقق کارآمدی و تعیین شاخصه های آن نیز چنین امری صادق است. مستندات این تحقیق نیز که طی آن به دیدگاههایی متنوع و گسترده در تعیین شاخص های کارآمدی اشاره گردید، موید این ادعا است که نباید به شکل محتوم نظریه های غربی را در این زمینه بی عیب دانست و ضرورت دارد که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کارآمدی و شاخصه های آن را متناسب با این الگو طراحی و تعریف نمود هرچند که استفاده از بخش های مفید نظریات علم مدیریت و نظریه های توسعه غربی جهت افزایش کارآمدی نظام ج.ا.ا هم راهگشاست به عنوان نمونه می توان با استفاده از نظریه کارکردگرایی ساختاری سیستمی، عوامل مؤثر عملکرد سیستم را در هر مرحله عملکرد آن شناسایی کرد و جهت افزایش کارایی با این عوامل مبارزه کرد و یا بر حسب نظریه بحران، به مواجهه و تقابل با عوامل موجهه بحرانهای شش گانه "لوسین پای" برآمد و کارایی و کارآمدی بیشتر نظام سیاسی را به ارمغان آورد.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

فهرست مراجع

الف - فارسی و عربی

قرآن مجید.

ابن ابیطالب، امام علی (ع)، (۱۳۵۱). نهج البلاغه. ترجمه و شرح سید علینقی فیض الاسلام، تهران، [بی نا].

اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۹۰). ولایت مطلقه فقیه از دیدگاه امام خمینی (ر) (ثبات یا تحول نظری). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۶). درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ سوم.

اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۹۱). نظارت در نظام اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۹). نقد وارزیابی گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی مطرح در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۶). «کارآمدی در آموزه‌های نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۶، تابستان، ص ۹-۳۸.

اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۷۹). «آرمانهای حکومت در نهج البلاغه». حکومت اسلامی، شماره ۱۷، پائیز، ص ۱۴۸-۱۲۹.

اخوان کاظمی، بهرام، (الف، ۱۳۷۸). حوزه و روحانیت در سیره نظری و عملی امام (ره)، مندرج در: امام خمینی و حکومت اسلامی، (روحانیت و اجتهاد و دولت)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۵۱-۹.

اخوان کاظمی، بهرام، (ب، ۱۳۷۸). راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، بهار، ص ۹۱-۸۹.

المحمودی، محمد باقر، (۱۳۸۵، ه. ق). نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۲. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

الهامی نیا، علی اصغر، (۱۳۷۹). «نظارت بر کارگزاران در حکومت علوی». حکومت اسلامی، شماره ۱۸، زمستان. ص ۲۳۸-۲۶۲.

بخشایشی اردستانی، احمد، (۱۳۷۶). درآمدی بر نظام‌های سیاسی مقایسه‌ای، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.

بدیع، برتران، (۱۳۷۶). توسعه سیاسی. ترجمه احمد نقیب زاده. تهران: قومس.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداو ۱۳۹۳

بلاندل، ژان. (۱۳۷۸). حکومت مقایسه ای. ترجمه علی مرشدی زاده. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بیانات مقام معظم رهبری. (۱۳۸۰/۶/۷). همشهری. شماره ۲۴۸۸، ص ۲ و ۱۵ .
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام (۱۳۷۹/۹/۱۵). اطلاعات، شماره ۲۲۰۷۷، ص ۷.
پیام آیه الله خامنه ایی به کنگره دایره المعارف اسلامی. (۱۳۷۲/۱۱/۱۴). کیهان، شماره ۱۴۹۸۳.
جعفر پیشه فرد، مصطفی. (۱۳۷۹). « ساختار نظام کنونی افتاء و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ». حکومت اسلامی، شماره ۱۶، تابستان ص ۳۰-۶۹.
جعفری، علامه محمد تقی. (۱۳۷۲). «یک بحث بنیادین در ریشه های انگیزش». مندرج در: نگرشی در مدیریت در اسلام. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
حجاریان، سعید. (۱۳۷۳). «مسأله مشروعیت سیاسی». راهبرد، شماره ۳، بهار، ص ۷۸-۹۳.
خمینی (ره)، امام آروح الله. (۱۳۶۹). صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی، جلد ۲۱، تهران: سازمان مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
خوانساری، جمال الدین محمد. (۱۳۶۰). شرح غررالحکم و دررالکلم. ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
روحانی، حسن. (۱۳۷۹). «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی». راهبرد، شماره ۱۸، زمستان، ص ۵-۳۶.

شمس الدین، محمد مهدی. (۱۴۱۱) نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، بیروت، چاپ سوم.
« قانون اساسی، مشروعیت و کارآمدی»، عصرما، شماره ۲۰۲، ۶ اسفند ۱۳۷۹، ص ۱ و ۳ و ۶.
لاریجانی، محمد جواد. (۱۳۷۹). حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی. تهران: سروش.

ب- انگلیسی

Almond and J.S. Coleman (1960) . The politics of the developing areas. Princeton university press.
Almond, Gabriel. And Powell. (1966). comparative politics: a Development approach. Boston: Little Brown and co.
Easton, David.(1965) A system analysis of political life. New York: John Wiley & sons.
Lipset, S.M “political man. (1959). the social basis of politics. New York: Doubleday.
pye .W, Lucian.(1966). Aspects of political development. Boston.